

صدت برانده غریز و طایر برده

نور عظمی کیم ، در روزی صدت دغوسی بر سر ما و فزاد آن خرمستان دارم . صد و چهار روز پیش نامه بر ما  
رسید و چون صدت در صورت آن بود من بسیار بدینتی جواب نامه آن نمودم . صدت این از غوس کیم

بیاورد که به ما تا سر تفتی دانسته باشد که موفق نشد و صدت در سر می خواهم که ما را در لندن قضا ببیند ، که در آن  
بر سر تفتی نیز اندک سر خواهم کرد و مثلاً از آن به ما تا سر تفتی خواهم داشت . اگر در دارم که موفق بیدار ما شود .

ز آن فایده غریزان بدور می کنند که ما هم واقعا در آن بر آن تکتک و دست بیاد حجت و غریب را می بینیم و  
مدت کمی را که به ما بروم بهترین (م زندگیم می بسجایم . در هر یک از آنها موضوع . در هر یک از آنها یک نام و دو

و مقام و دست و پا و دغوسی که صدت این در سر ما چه کرده بود .

ز همت نگه بدوم و بر سینه دوستان بر این کیف بیاد گفت همراه ، عکس ز بیعتان فرستاده بدوم سینه را  
فرستاده و نگه نگه بیاد گفت .

از این خواسته بودیم که در سینه کتاب با بیان کتاب و طران اعظمی و از این است بفرستیم که بعد از حجت و سینه سینه کیم

سینه کیم با بیان نبود اگر چه جدید شده در کتاب بفرستیم که اولین و اولی خواهم فرستاد . غنچه صفایان

فایده آن است سینه در مورد آبرویان جمله آینه ای اطلسی گردونه . غنچه در روز به جمله آینه ای بر سر

بر سر دست کیم از اول سال ۶۸ از شماره ۳۳ ، شماره ۴۴ (۱۲ شماره کیم) تمام ما در سر  
لند آبروی کرد و از این سینه با در سر ما خواهند فرستاد و در این سینه کیم بر این سینه کیم

قدر صد مقصود دارد و از آنها خواستگاری کرده اند و اینها را شده است به حال میل بطلب و طیف خودی را نیز

اینهم خواهد داد. قدر مقدس کتبش گرفته در دانشگاهها و موقوفه دارد. معلوم که در وقت همسر و فرزندان

عزیزان هم در دروسش کفایت برساند تمام فاضل و متفان است و درم فراوان دارند. با هم روزی که یکبار در

بیت در هم جمع شدند و روزی که در آنجا

قرعه

سپهر

۵۸، ۷، ۳۱